



۲۰۱۵/۰۷/۰۷



جليل غنى

افغانستان گره بازی بزرگ دیگر

موقعیت جغرافیایی افغانستان این خطه را در طول تاریخ چندین هزار ساله ای آن، مورد توجه جهان گشایان، بازی گران عمده ای صحنه ای سیاسی و قدرت نمائی و رقابت های ابر قدرت ها و امپراطوری های جهان قرار داده است. نیمه ای دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم روسیه ای تزاری و امپراطوری انگلیس را درین سرزمین در مقابل هم قرار داد و انگلیس در هراس از نفوذ روسیه و جلوگیری از پیشروی آن بسوی هند و آبهای گرم، که انگلیس ها تازه تطبیق نقشه ای تصرف این سر زمین پهناور و سرشار از منابع را با تاسیس کمپنی هند شرقی روی دست داشتند و افغانستان را دروازه ای چنین توسعه طلبی میدانستند، در صدد جلوگیری از نفوذ روسیه بر آمدند، درین جا بود که این دو قدرت بزرگ آن زمان پالیسی های را برای بر آورده شدن منافع از مندانه ای شان روی دست گرفتند که بنام «بازی بزرگ» نامیده شد و درین بازی افغانستان و سرحدات آن مورد معامله قرار گرفت. این اصطلاح برای توضیح رقابت بین امپراطوری های برتانیه و روسیه در قرن نوزدهم بکار برده شد و اکثراً بر مانور های نظامی و سیاسی در افغانستان تمرکز داشت و در اوایل سالهای ۱۸۴۰ استعمال شد و زمانی عمومیت یافت و معروف شد که «ردیارد کیپلینگ» (Rudyard Kipling) در ناول خود بنام «کیم» آنرا بکار برد و ۱۹۰۰ بشکل یک سریال بروی صحنه آمد.

این تقابل و رقابت موجب آن گردید که انگلستان برای باز داری روسیه بر افغانستان حمله کند. جنگ اول ۱۸۴۱-۱۸۴۲ که با شکست مقتضحانه در سال ۱۸۴۲ پایان یافت که به شهادت تاریخ یک فرد (برایدن) نیمه جان نجات یافت و جنگ دوم از ۱۸۷۸-۱۸۸۰ بعد از آن در گرفت که روس ها هیأتی سیاسی را بدون دعوت قبلی به دربار امیر شیر علی خان فرستادند و زمانیکه برتانیه از امیر خواست که هیأت سیاسی آنها را نیز قبول کند امیر ابا ورزید و انگلیس ها به انتقام این اقدام او یک اردوی چهل هزار نفری را به سرحد افغانستان اعزام داشتند این جنگ با به قدرت رسیدن امیر عبدالرحمن خان، که محمد صدیق فرهنگ در «افغانستان در پنج قرن اخیر» او را «مستبد با کفایت» خوانده است، به پایان رسید و او موافقه نمود که انگلیس ها امور خارجی افغانستان را تحت اداره شان داشته باشند و خود به استحکام قدرت در داخل پرداخت.

این واگذاری امور خارجی افغانستان به انگلیس ها، به آنها صلاحیت داد که در خط کشی های سرحدات افغانستان دست آزاد داشته باشند و بعد از آنکه روسیه واحه ای " مرو" تا پنج ده را تصرف نمود و ادعای حاکمیت بر تمام این قلمرو افغانستان را نمود، انگلیس ها با روسیه موافقه نمودند که پنج ده را در تصرف داشته باشد و بدون اینکه حکومت افغانستان درین تصامیم نقشی داشته باشد و نظرش شامل باشد دریای آمو را به حیث سرحد بین متصرفات روسیه و افغانستان به رسمیت شناختند.

تا این جا فقط اشاره ای مختصری بود به اصطلاح «بازی بزرگ» و اینکه افغانستان چگونه قربانی این «بازی» شد. دیده میشود که چگونه تاریخ درحال تکرار شدن است با شرایط و اوضاع دیگری و با بازی کن های دیگری و باز هم افغانستان محراق این تقابلات قرار دارد ولی با دید گاه های متفاوت و اهداف و نگرانی های متفاوت. نخست با در نظر داشت این موقعیت جغرافیایی و تحولات منطقه و جهان و منافع و نگرانی های قدرتهای منطقوی و جهانی با اجمال تا جائیکه این مختصر گنجایش دارد نظری می اندازیم:

افغانستان با شش کشور این منطقه هم سرحد است که همین موقعیت، این کشور را در چهارراه مدنیت ها در سده های گذشته قرار داده که از چنین موقعیتی هم بهره مند شده است و هم متضرر. طول سرحدات افغانستان با شش کشور همسایه چنین است:

چین ۹۱ کیلو متر، ایران ۹۲۱ کیلو متر، پاکستان ۲۶۷۰ کیلو متر، تاجکستان ۱۳۵۷ کیلو متر، ترکمنستان ۸۰۴ کیلو متر و ازبکستان ۱۴۴ کیلو متر.

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

ساحه افغانستان ۶۵۲۲۳۰ کیلو مربع و نفوس آن به شمول مهاجرین در بیرون از افغانستان نزدیک به سی و یک میلیون تخمین میشود.

آنچه که علاقمندی کشور های همسایه و سایر دول را چه در منطقه و چه در جهان به افغانستان توجیه کرده میتواند منافع و در عین زمان نگرانی هایی است که این کشور های دور و نزدیک در افغانستان دارند که می توان آنرا منافع مشترک و نگرانی های مشترک نامید، البته باید منافع و نگرانی های مشروع و غیر مشروع مطابق به مقررات و موازین بین المللی و حقوق بین الدول تعریف گردد و تفاوتی بین آنها قایل شد.

نخست منافع مشترک:

- منافعی این کشور ها با افغانستان که میتوان آنرا منافع مشروع دانست:
- رشد سرمایه گذاری ها و یا فراهم شدن زمینه ای سرمایه گذاری های بزرگ و کوچک توسط کشور های منطقه و جهان در افغانستان پس از سقوط رژیم طالبی.
- امضای پیمانهای امنیتی افغانستان با ایالات متحده، برتانیه، هند و تعداد دیگری از کشور های منطقه و جهان و علاقمندی این کشور ها به ثبات سیاسی و اقتصادی افغانستان.
- انکشاف تجارت و صادرات مواد و امتعه ای گوناگون از کشور های منطقه و جهان به افغانستان.
- تبدیلی افغانستان به حیث یکی از شاهراه های ترانزیتی بین جنوب آسیا و آسیای میانه و بنا بران یکی از بزرگترین منافی که کشور های منطقه در افغانستان دارند انتقال امتعه تجارتي و صادرات و واردات این کشور ها از طریق افغانستان است.
- بعد از سقوط اتحاد شوروی سابق، جمهوریت های آسیای میانه با منابع سرشار طبیعی، مخصوصاً انرژی اعم از برق و گاز و نفت، هم به دسترسی به بازار های جدید نیاز دارند و هم منطقه و جهان به منابع انرژی و سایر امتعه تولیدی این جمهوریت ها نیاز دارد. بگونه مثال موافقتنامه پروژه

که برق، (Central Asia South Asia electricity transmission project (CASA-۱۰۰۰)

- تاجکستان، ازبکستان و قرغزستان و ترکمنستان را از طریق افغانستان به پاکستان انتقال میدهد.
- تکمیل شاهراه حلقوی افغانستان، تمدید خط آهن بین ایران و افغانستان، ترکمنستان و افغانستان، ازبکستان و افغانستان و تاجکستان و افغانستان، توافق ایران و افغانستان به استفاده از تسهیلات بندر چاه بهار ایران و تکمیل راه های اتصال به ایران از شاهراه قندهار – هرات از طریق نیمروز و فراه.
- منابع سر شار طبیعی و دست نخورده افغانستان هم یکی دیگر از عوامل علاقمندی جهان و منطقه به افغانستان است و بر اساس ارزیابی های که از طرف وزارت معادن افغانستان به عمل آمده افغانستان دارای چهارصد و پنجاه معدن به شمول منابع انرژی و سنگ های قیمتی و منرال است که فقط استخراج و بهره برداری از تعداد بسیار معدودی از این منابع یا آغاز شده و یا هم برای بهره برداری تحت مطالعه گرفته شده است. سر مایه گذاری درین منابع یکی دیگر از علاقمندی های کشور های منطقه و جهان به افغانستان است.
- منابع آبی روی زمین و مهار نمودن آبهای زیر زمین و استفاده مشترک از این منابع بین افغانستان و کشور های همجوار هم دلیل علاقمندی کشور های همسایه است هم دلیل مداخلات برای وارد کردن فشار بر افغانستان به منظور قبولاندن خواسته های نا مشروع همسایگان مخصوصاً ایران و پاکستان و هم برای تامین منافی که طبق قوانین بین المللی بین کشور های همجوار در مورد استفاده مشترک از منابع، تحت مقررات خاص وضع گردیده است، که از آن جمله میتوان استفاده مشترک از آب های دریا های هلمند، هریرود، فراه رود با ایران، دریای کنر، دریای کابل با پاکستان، دریای آمو با تاجکستان و چند منبع دیگر به حیث مثال نام برد.
- پروژه انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان هم یکی دیگر از عوامل علاقمندی و منافع مشترک افغانستان و منطقه است این پروژه هم هزینه گزاف را ایجاب میکند و مراجع بین المللی حاضر به سرمایه گذاری در آن، در صورت تضمین امنیت هستند.
- بافت اجتماعی افغانستان یکی دیگر از عواملی است که کشور های همسایه ای افغانستان خود را حق میدهند در آن دخیل بدانند. جامعه ای افغانی متشکل از اقوام، قبایل، نژاد ها و زبانهای است که اقوام و ملیت های مشابه در کشور های همسایه ای افغانستان هم وجود دارد و تقسیمات جغرافیائی دو قدرت بزرگ جهانی در قرن نهم یعنی انگلیس و روس و یا هم فتوحات کشور گشایان دیگر، قبل و بعد از آن، موجب آن گردید که اکثر اقوام و

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

قبایل و ملیت های دارای فرهنگ و تاریخ مشترک با خط کشی های سرحدی از هم جدا شوند. این گونه تقسیمات و خط کشی ها تنها منحصر به افغانستان نماند.

- این ها فقط چند مثال متباز از منافع مشترک افغانستان و منطقه و جهان است. البته مهمترین عامل برای تامین این منافع، و منافع مشروع دیگری که هم افغانستان دارد و هم منطقه و جهان، تامین امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی در افغانستان است که بخش نگرانی های مشترک افغانستان، منطقه و جهان را تشکیل میدهد.

نگرانی های مشترک:

- امنیت، عمده ترین نگرانی مشروع مشترک افغانستان، منطقه و جهان است که منشأ همه مشکلات و معضلات دیگر مثل ثبات سیاسی و اقتصادی است.

- تحولاتی که تقریباً از چهل سال به اینطرف در افغانستان با کودتای سردار محمد داود خان در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ مطابق ۱۷ جولای ۱۹۷۳ میلادی آغاز یافت و تا کنون ادامه دارد، افغانستان را از یک کشور عقب مانده ای اقتصادی ولی با ثبات سیاسی بیرون کشید و مورد توجه منطقه و جهان قرار داد. مخصوصاً با کودتای حزب دموکرات خلق در ثور ۱۳۵۷ مطابق ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ میلادی و روی کار شدن رژیم کمونیستی و متعاقب آن تهاجم قشون سرخ شوروی سابق بر افغانستان در دسمبر ۱۹۷۹ میلادی. مشکل افغانستان از همان مراحل اول این تحولات شکل یک معضله منطقی و جهانی را به خود اختیار کرد.

- تشکل تنظیم های مقیم پاکستان و ایران و حمایت این دو کشور و عربها از این تنظیم ها که برخی از آنان تندرو افراطی هستند و نفوذ چنین گروه های به کشور های همسایه که در بی ثبات سازی نظام این کشور های تاثیر خواهند داشت.

- تاسیس مدارس دینی در پاکستان که سی سال گذشته نشان داد که به فابریکه های تولید افراط گرایی و دهشت افگنی مبدل شده اند.

- حضور مراکز تروریست ها و دهشت افگان بین المللی در مناطق صعب العبور سرحد شمالغرب و نیمه خود مختار پاکستان هم سرحد با افغانستان و از همین مراجع است که سازمانهای منطقی دیگر یا تازه تشکیل شدند و یا از حمایت های تربیوی و مادی سازمانهای دهشت افکن بین المللی مستقر درین مناطق و یا گروه های مرتبط به آن سازمانها بر خور دار میگرددند.

- حمایت ایران از سازمانهای افراطی شیعه مذهبان در افغانستان و پاکستان و نفوذ آنها بر سایر کشور های منطقه و حوزه خلیج.

- عمده ترین نگرانی مشروع افغانستان، منطقه و جهان همین گروه های دهشت افکن هستند. نا امنی در افغانستان از تقریباً چهار دهه به اینطرف بیداد میکند. ولی به مرور زمان این نا امنی ها به ما ورای سرحدات افغانستان هم سرایت کرده و باعث نگرانی این کشور ها و جهان گردیده است. جنبش های اسلامی در آسیای میانه و چین با ترغیب شدن از پیروزی تنظیم های اسلامی در دوران جهاد بر قوای اتحاد شوروی سابق در افغانستان و سقوط دادن حکومت کمونیستی، اقدام به ایجاد و منظم ساختن بیشتر گروه های اسلامی و جنبش های شدند که در گذشته یا شناخته نشده بودند و یا هم وجود نداشت. از جمله میتوان از چند جنبش شناخته شده و فعال نام برد:

- جنبش اسلامی تاجکستان یکی از مؤتلفین القاعده که مؤسس آن ظاهر یلداشیف در ۱۶ اگست ۲۰۱۰ در یک حمله طیاره های بدون پیلوت امریکا بر شهرک کانیکورم در وزیرستان جنوبی، که پایگاه عمده ملا نظیر رهبر طالبان است، همراه با هشت طالب دیگر و ازبک کشته شد.

- وی همچنان رهبری جنبش اسلامی ازبکستان یکی دیگر از مؤتلفین القاعده را بدوش داشت که در سال ۱۹۹۱ با همکاری جمعه نمگانی یک عسکر سابقه روسیه که در افغانستان جنگیده بود، آنرا تاسیس نمود. هر دوی آنها از تبار ازبک و از وادی فرغانه بودند. هدف این جنبش سقوط دادن حکومت اسلام کریموف در ازبکستان و تاسیس شریعت اسلامی بود. آنها از پایگاهی در تاجکستان و از شمال افغانستان که تحت اداره طالبان بود فعالیت داشتند.

- جنبش اسلامی ازبکستان در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ چندین حمله را بر قرغزستان نیز انجام داد ولی در سال ۲۰۰۱ که در پهلوی طالبان علیه قوای ائتلاف در افغانستان می جنگید مضمحل شد. جمعه نمگانی رهبر این جنبش هم کشته شد.

- جنبش اسلامی ترکستان شرقی که بنام حزب اسلامی ترکستان و همچنان جنبش اسلامی ترکستان هم معروف است، سازمان جدائی طلبی است که از طرف تندروان اویغور در غرب چین تمویل میگردد. هدف این سازمان

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

استقلال ترکستان شرقی از چین است. چین مدعی است که این یک سازمان جدائی طلب و مسؤل حملات دهشت افگنی در سینکیانگ چین است.

● جا به جایی جنبش های افراطی و دهشت افگنی در شمال افغانستان مخصوصاً در ولایت بدخشان که با موقعیت استثنائی جغرافیائی خود هم با چین و هم با تاجکستان هم سرحد است تشویش ها در کشور های آسیای میانه را در رابطه با نفوذ این دهشت افگان و با تشکیل گروه دیگری بنام داعش که طالبان نا راضی و فرصت طلب های مادی هم به آنها پیوسته اند، افزایش داده است و قرار است روز پنجشنبه نهم جولای ولادمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و شی جینگ پینگ رئیس جمهور چین و سایر رهبران کشورهای عضو کنفرانس همکاری های منطقه ای معروف به کنفرانس شانگهای اوضاع افغانستان را با انکشاف حضور حامیان داعش در افغانستان مورد بررسی قرار دهند. درین کنفرانس کشور های روسیه، چین، قزاقستان، قزغزستان، تاجکستان و ازبکستان عضویت دارند.

با در نظر داشت آنچه گفته آمدیم، بی ثباتی و بی امنیتی در افغانستان نه تنها بی امنیتی در منطقه را بیشتر میسازد و موجب بی ثباتی های منطقه ای میگردد بلکه مایه نگرانی جهان نیز هست و موجب انتشار افراط گرایی و جنبش های میگردد که خشونت و تشدد را یگانه راه رسیدن به هدف و بر آورده ساختن مرام های شان برای تاسیس دولت های مطابق به تعبیر های سخت گیرانه که از اسلام دارند، می بینند. اکثریت این سازمانها با سازمانهای دهشت افکن بین المللی مثل القاعده ارتباط دارند که در تمام جهان مؤتلفینی دارد و روزی نیست که از اثر اعمال دهشت افگانه ای این سازمانها در آسیا، شرق میانه، اروپا، آفریقا و سایر مناطق جهان خبری نشر نگردد. همین سازمانهای افراطی و عقب گرا هستند که منافع جهان را چه سیاسی و چه اقتصادی در منطقه تهدید میکنند.

● تولید تریاک و قاچاق مواد مخدر یکی دیگر از عمده ترین نگرانی های کشورهای منطقه و جهان است. افغانستان از چندین سال به اینطرف بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان شناخته شده است و این تریاک از بنادر نفوذ پذیر افغانستان با همسایگان توسط مافیای بین المللی به سایر نقاط جهان قاچاق میشود. تا کنون هیچگونه پلان و طرح کار آمد مشخصی برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان گرفته نشده و این ماده مهلک و ویرانگر نه تنها بزرگترین درد سر برای جهان است بلکه همین اکنون بیش از سه ملیون معتاد در افغانستان وجود دارد که دولت به هیچ وجه توانائی معالجه آنها و یا مقابله با این مصیبت عظمی را ندارد.

● نگرانی منطقه و جهان از به خطر افتادن منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی و حتی فرهنگی آنها در افغانستان که مشمول اعتقادات، تعلقات قومی و نژادی و زبانی نیز میگردد که از نگرانی های مشروع همسایگان افغانستان و منطقه و جهان است. البته هر یک از این فکتور ها و عوامل میتواند موضوع جداگانه ای برای تحقیق و بررسی ژرف باشد و صرف با تذکر مختصر بسنده میکنیم تا توضیح شده باشد که اکنون معضله بی امنیتی و بی ثباتی افغانستان یک مشکل منحصر به افغانستان نیست بلکه یک مشکل منطقه ای و بین المللی است چون هم کشورهای منطقه مخصوصاً همسایگان افغانستان و هم کشورهای جهان در مجموع به شمول ایالات متحده آمریکا درین منافع و نگرانی ها مشترکاتی دارند و این مشترکات، آنها را در حل قضیه افغانستان و نگرانی های که درین زمینه وجود دارد به نحوی از انحا دخیل میسازد.

و اما چرا این بار نیز افغانستان گره گاه «یک بازی بزرگ دیگری» گردیده است؟ و این اصطلاح چرا بار دیگر بر سر زبانها افتاده است؟

برای روشن شدن مطلب و عمق دخالت دیگران و مخصوصاً آنانی که خواب امپراطوری های از دست رفته را می بینند و میخواهند باز هم دیگر آفتاب در امپراطوری شان غروب نکند به اظهارات شهزاده اندرو پسر دوم ملکه الیزابت دوم در بیشکیک پایتخت قزغزستان توجه شما را جلب میکنم که در یکی از کیپل های که از طرف ویکی لیکس نشر شده افشا گردیده است. شهزاده اندرو که در کنفرانسی در بیشکیک در سال ۲۰۰۸ صحبت میکرد از بازی بزرگ پشتیبانی نموده و خطاب به کنفرانس با اشاره به سیاست های منطقه ای با غرور خاص خودش گفت «سلطنت متحد (بریتانیه) اروپای غربی، و خطاب مستقیم به سفير ایالات متحده در بیشکیک که درین کنفرانس حضور داشت، افزود و شما امریکائی ها به این بازی بزرگ سر زنده تر بیشتر از هر وقت دیگر بر گشته اید و این بار ما برنده هستیم»

د پانوی شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

ولی این بار اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نیست و نه هم مردم افغانستان همان مردمان آن عصر و زمان هستند. این بار افغانستان در محراق توجه جهانی قرار دارد و این بار افغانستان به حیث عضو جامعه جهانی دست نگر دولت انگلیس نیست و از منافع و حقوق خود شجاعانه دفاع خواهد کرد و دیگر دولت و یا دولت های سرحدات و حدود و ثغور آنرا خط کشی نخواهند کرد. مثل اینکه این شهزاده باز هم فکر میکند که و صلاحیت دارد که مراکز نفاق را چون خط دیورند بین افغانستان و پاکستان، کشمیر بین هند و پاکستان، کردستان بین ایران و عراق و ترکیه و بلوچستان را بین ایران و افغانستان و پاکستان تقسیم کند و مناطق و مراکز اختلاف و نفاق را برای نا آرامی های منطقوی و دامن زدن به بی ثباتی ها و اختلافات منطقوی و محلی ایجاد نماید. جامعه بین المللی و دوستان افغانستان در برابر حفظ تمامیت ارضی و استقلال افغانستان تعهداتی دارند و عدم رعایت این تعهدات به معنی از دست دادن اعتبار و حیثیت بین المللی آنها خواهد بود

• راه حل پیشنهادی:

با در نظر داشت اوضاع خاص جغرافیائی و ترکیب اجتماعی و فرهنگی، تعلقات مادی و معنوی همسایگان و منطقه و جهان، منافع مشترک و نگرانی های مشترک که در بالا از آن مختصراً تذکر رفت، راه حل هم در افغانستان بطور مشترک جست و جو شده میتواند نه افغانستان به تنهایی با موافقتنامه های استراتژیک و امنیتی با دوستان منطقوی و بین المللی و نه هم دوستان افغانستان به تنهایی امنیت، ثبات، بی طرفی، صلح پایدار، ختم جنگ و خونریزی و پیشرفت را در افغانستان تضمین کرده خواهند توانست.

تدویر یک کنفرانس تحت نظر ملل متحد به اشتراک پنج عضو دائمی شورای امنیت ملل متحد، شش کشور هم سرحد با افغانستان، هند، عربستان سعودی، کشور های عضو ناتو، سازمانهای بین المللی دیگر مثل حقوق بشر، سازمان امنیت و همکاری اروپا، کنفرانس های شانگهای و سارک می تواند متضمن ختم جنگ و خونریزی و جلوگیری از به مخاطره افتادن منافع مشترک افغانستان و جهان گردد.

درین کنفرانس از کشور های اشتراک کننده روی این اصول تعهد گرفته شود:

- * عدم مداخله در امور داخلی افغانستان
- * شناسائی افغانستان به حیث یک کشور بیطرف در معضلات منطقوی و بین المللی.
- * قطع کمک های مادی و تمویل گروه های مسلح مخالف افغانستان
- * همکاری صادقانه در پیشبرد مذاکرات صلح با مخالفین مسلح
- * برداشتن پایگاه ها و مراکز فعالیت های مخالفین حکومت افغانستان در کشور های همسایه
- * حمایت از پلان های حکومت افغانستان برای ریشه کن کردن قاچاق مواد مخدر.
- * تعیین مجازات (تهدید، اخطار، تحریم های اقتصادی و سیاسی) در صورت تخلف کشور های اشتراک کننده از مصوبات و فیصله های این کنفرانس.

پایان

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ